علم فعلی در تعبیر «و لیس بینه وبین معلومه علم غیره»

اما اگر «غیره» به «معلوم» برگردد، در این صورت «لیس بینه و بین معلومه علمٌ غیر معلومه»، یعنی خود همین معلوم عین علم است؛ علم فعلی. که روی مبانی اشراق می‌شود. هفته‌ی قبل عرض کردم که آن استاد در درس اسفار می‌فرمودند: خواجه التزام داده است که در شرح اشارات از مبانی مشاء فاصله نگیرد. فقط در علم بوده است که عذرخواهی کرده است و در اینجا نتوانسته است و از مبانی مشاء فاصله گرفته و به‌سوی مبانی اشراق رفته است. مرحوم فیاض صاحب شوارق ... . متأسفانه کتابشان تمام نشد. وقتی به بحث علم رسیدند، دیگر نتوانستند بقیه شوارق را بنویسند. ولی خود همین بحث علم که در پایان شوارق شده است، چهل صفحه طول می‌کشد. وقتی در صفات باری تعالی به بحث علم رسیده‌اند، چهل صفحه طول داده‌اند. شوارق‌های چاپ قدیم را عرض می‌کنم. چاپ جدید را نمی‌دانم. چهل صفحه راجع به علم بحث کرده‌اند. یعنی بحث سنگینی بوده است. خواجه هم در آنجا از التزامی که داشته است، فاصله گرفته‌اند.

خُب، این مبنا چیست؟؛ می‌گویند معلوم خودش عین علم است: «لیس بینه و بین معلومه علم غیر معلومه»؛ خود این معلوم عین علم است.

شاگرد: ظاهراً می‌خواهند آن علمی را که در بندگان هست، آن را از خداوند دور کنند. اگر هر دو هم مرادباشند، می‌خواهند آن علمی که مانوس اذهان است را دور کنند.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:06:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 14:27:27 توسط ... .